



استاد خلیلی در مصاحبه با علی رضا طاهری، نطاق رادیویی بی سی:

## هر کسی که با احساسات و خواسته های مردم ما بی اعتنایی کند، ما مکلف به دفاع هستیم



چطور توجیه می شود که دولت با یک هلیکوپتر جنگی، بالای مردم ما بمب بریزد و با یک هلیکوپتر دیگرش هیأت صلح را در منطقه، ما پیاده کند؟ با این کاری که هیأت کرد، ما تصمیم گرفتیم که به خاطر دفاع از خواسته ها و آرمانهای مردم خود، این مذاکرات را نپذیریم و نماینده گان هیأت را از مرز بکاولنگ برگردانیم.

جنرال دوستم نماینده یک بخش کثیری از مردم افغانستان است و ما به ایشان احترام میگذاریم و به دوستی خود با ایشان وفادار هستیم.

استاد خلیلی در پاسخ به سوال دیگری که اشاره به شرکت حزب وحدت در جنگها، مخصوصاً در زمان حیات رهبر شهید داشت، بیان داشتند: ما همیشه در جنگها موضع دفاعی داشته ایم. همانطوریکه ما را در غرب کابل آرام نگذاشتند و ما تحملاً در جنگ کشانده شدیم، امروز همان کسان دوباره جنگ را در هزاره جات دامن زده اند. نطاق بی بی سی پرسید: هیأت صلح، بهر حال باید با یک وسیله ای به طرف شما می آمد، این چه فرق میکند که هیأت با هلیکوپتر متعلق به این گروه یا آن گروه به طرف شما بیاید؟ هلیکوپتر سریع ترین وسیله است، میتواند یک هلیکوپتر حتی ساخت روسیه باشد که مجاهدین سالها با شوروی سابق در جنگ بوده اند. آیا این درست است که چون هلیکوپتر ساخت روسیه است و شما با شوروی در جنگ بوده اید، هیأت صلح را نپذیرید؟ استاد خلیلی در جواب اظهار داشتند: یکی اینست که هلیکوپتر ساخت روسیه است، یکی دیگر اینست که به وسیله آن توسط دولت هیأت آورده و اسکورت میشود، من فکر میکنم که باید میان این دو حالت تفاوت قایل شوید. نطاق پرسید: همین هیأتی که شما اشاره می کنید، توانسته است (ص ۴)

شام شنبه ۱۳۷۴/۶/۴، محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ضمن مصاحبه، تبلیغاتی با بخش فارسی رادیویی بی بی سی، در باره سفر هیأت ایرانی به هزاره جات و مواضع حزب وحدت اسلامی مفصلاً توضیح ارائه داشتند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی در پاسخ به سوال نطاق بی بی سی که «علت مخالفت حزب وحدت اسلامی در مخالفت با آمدن هیأت ایرانی به بامیان چه بوده است؟»، ابراز داشتند: وقتیکه هیأت از ایران حرکت میکرد، دوستان ما اطلاع دادند و ما اعلام کردیم که آماده مذاکره و شنیدن دیدگاه هیأت هستیم، ولی گفتیم که آنها از راه کابل نیایند، به خاطر اینکه دولت کابل در طول سه سال با ما در جنگ بوده و فعلاً هم در حال جنگ است. ولی متأسفانه، هیأت بدون اعتنا به این نظر ما، با هلیکوپتر های دولت کابل به پنجاب آمد. چطور توجیه میشود که دولت با یک هلیکوپتر جنگی، بالای مردم ما بمب بریزد و با یک هلیکوپتر دیگرش هیأت صلح را در منطقه، ما پیاده کند؟ با این کاری که هیأت کرد، ما تصمیم گرفتیم که به خاطر دفاع از خواسته ها و آرمانهای مردم خود، این مذاکرات را نپذیریم و نماینده گان هیأت را از مرز بکاولنگ برگردانیم.

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

### «صفحه نو»، تعهد و مسئولیتها

صفحه نو، به فرهنگی باور ندارد که برده، سیاست باشد. اعتقاد، صفحه نو، از فرهنگی ریشه میگیرد که متمم به سرنوشت سیاسی و تاریخ اجتماعی ملت است و نقش آگاهی بخش سیاسی، اجتماعی و اعتقادی این فرهنگ، همیشه خیزش های رهایی بخش اجتماعی را سازماندهی کرده است.

میخواهند انحصار نظام سیاسی کنونی حاکم را آبرومند سازند و به خیانتی که در برابر عدالت اجتماعی و سیاسی محرومان این جامعه به عمل آمده است، صیغه حقانیت و انسانی بدهند. «صفحه نو» همچون «امروز ما» بنابر تقاضای ابعاد گوناگون مبارزه اجتماعی برای عدالت سیاسی و برای نهادن گام مستحکم فرهنگی به سوی رستاخیز ملی، در برابر آرمان عدالت اجتماعی و سیاسی بی متعهد است که زیر بنای آن را حقانیت و خون «رهبر شهید» تشکیل میدهد. با پشتوانه خون رهبر است که امروز، برای آرمان و مبارزه اش متعهدیم، و معتقدیم که دشمنان ملت تا کنون هم اصرار دارند که برای خموش کردن تشنه های آزادیخواهی و عدالت طلبی (ص ۳)

با هفته نامه «خبری صفحه نو»، کمبود دیگری از کار فرهنگی خویش را تکمیل مینماییم. حزب وحدت اسلامی، به مثابه حزب متعهد به آرمانهای انسانی ملت و خون «رهبر شهید»، با کمال صمیمیت از علاقه مندان نشریه خویش سپاسگزاری نموده، بعد از نشر ماهنامه «امروز ما»، اینک «صفحه نو» را به عنوان صفحه واقعات اجتماعی برای تاریخ سیاسی جامعه و ملت خویش در دست دارد. کمبود پیام ما در میان انبار نشرات وابسته و آزاد، بزرگترین زمینه بی بود که دشمنان عدالت و افشای ملت از آن بهره بردند و با هویت سازیهایی که همیشه ریشه در ماهیت عقاید تبعیضی و انحصاری دارند، برای مقاومت و خواست عدالت اجتماعی ما، هویتی ساختند که با آن

### در این شماره

علی رضا طاهری

### نطاق یا مستنطق؟!

چرا نطاق B.B.C عصبی و نگران است که حزب وحدت اسلامی «میانهاش را با ایران خراب میکند»؟ صفحه ۳

### روسها

### هنوز هم حاکمان کابل!

سه سال جنگ نه تنها پیروزی ملت افغانستان را بیان نداشته، بلکه بزرگترین شکست نظامی و سیاسی آن را نیز هویدا میسازد؛ چون روسها اینبار با تصاحب شخصیت جهاد و مقاومت ملت افغانستان، حاکمیت خویش را بر کابل ادامه داده اند. صفحه ۲

سید شریف ناصر زاده

از تشکیلات سیاسی و شورایی مرکزی تشییع در پیاری چرا پس از سه سال، سید شریف که نماینده رسمی قاتلان شهید کریمی بوده است، به عنوان جانشین دو باره او تعیین میگردد؟ صفحه ۳

### عطاء محمد خان رئیس قوم پای موره

ولایت غور با استاد خلیلی دیدار نمود. صفحه ۴

### تو باید رهبری را بدست گیری

صفحه ۲

## شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی از پذیرفتن هیأت ایرانی معذرت خواست

پنجاب- بکاولنگ به هیأت ایرانی ابلاغ و از آنها خواسته شد که در صورت تقابل مذاکره با حزب وحدت، از آمدن به همکاری فاشیزم کابل صرف نظر نمایند. لازم به یاد آوری است که شیخ حسین ابراهیمی، ماه گذشته نیز تلاش به خروج داد که وارد هزاره جات شود، اما به دلیل تا مساعد بودن شرایط و نیز عدم توجه کافی به مواضع و درخواستهای حزب وحدت اسلامی ویی اعتنایی به سرنوشت اجتماعی مردم ما، موفق به انجام آن نگردید.

خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی از بامیان، اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی طی جلسه فوق العاده بی که به دنبال فرود آمدن هلیکوپتر های حامل هیأت ایرانی در پنجاب، دایر کردند، عدم توجه شیخ ابراهیمی به درخواست حزب وحدت اسلامی و آمدن از طریق فاشیزم کابل و استفاده از هواپیمای نظامی آن را بی اعتنایی آشکار به خواسته ها و احساسات مردم مسلمان خود دانسته و از دادن اجازه ورد به بکاولنگ به آنها، معذرت خواستند. طبق این گزارش، فیصله شورای مرکزی در نیمه راه

هیأت ایرانی که به سرپرستی حجت الاسلام ابراهیمی، نماینده حضرت آیت الله خامنه بی به تاریخ ۱ سنبله ۱۳۷۴ وارد ولسوالی پنجاب ولایت بامیان گردیده بود، پس از مایوسی از دیدار با شورای مرکزی و دبیر کل حزب وحدت اسلامی، دوباره به کابل برگشت. هیأت مذکور عده بی از سران تشیع درباری منجمله سیدفاضل، سیدمرتضوی، سیدعالمی بلخابی و اکبری را نیز به همراه داشته، می کوشید تا میان این عناصر بیگانه از مردم و شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی وساطت نماید. به گزارش

## تدابیر فاشیزم در نزدیکی شش پل با شکست مواجه شد

ناکام بر مواضع حزب وحدت اسلامی زدند که در اثر مقاومت جبهه ضد فاشیستی درهم شکست. طبق این گزارش، به دنبال شکست حمله فاشیسم، رزمندگان قهرمان حزب وحدت اسلامی

خبر نگار نظامی خبرگزاری وحدت اسلامی از ولایت بامیان گزارش میدهد که به تاریخ ۱۳۷۴/۶/۷، شب هنگام مهاجمین فاشیسم به همدستی عمال تشیع درباری، دست به یک حمله

عملیات تصفیوی خویش را آغاز و تمام ساحات اطراف شش پل از جمله دره کالو را بطور مکمل پاکسازی نموده و پایگاه ۱۲ متعلق به سید انوری را به تصرف خویش در آوردند. طی این جنگ ناخواسته که با تأسف ۲۲ تن از جوانان فریب خورده ملت به قتل رسیدند، نیروهای فاشیستی سلاح های ذیل را از خود به جا گذاشتند: (ص ۴)



\* توجه روسها برای حاکمیت در

افغانستان، متکی به سیاست

استراتژیکی است که بقای رقابت

کمرشکن آنها را در طول تاریخ با

اروپای غربی تشکیل میداده است.

\* تغییر حاکمیت از لحاظ ایدئولوژیک در

روسیه، هیچگونه پیام رهایی بخش برای ملت

افغانستان نداشته است؛ چون حاکمیت

یلتسین تداوم سیاست استراتژیک تزار در قرن

بیست برای ملت افغانستان است.

## روسها،



• احمدشاه مسعود، مهره، نه ساله، کاجی بی، بزرگترین نریب برای ملت افغانستان و دنیا بود. شخصیت مرموز با نیت فاشیستی و وسیله، تحریک نژادی و نفاق اجتماعی، تمام ظابطه هایی را در برابری سیاست روسها نابود کرد که بایه های تیم ملی برای نجات يك ملت و کشور محسوب میشدند.

عامل تحریک و تقویت اعتقادات مذهبی بود که بنیاد جهادراتشکیل میداد و سرمایه گذاری هر چه بیشتر روسها برای ایجاد رقابت منفی و خصمانه میان ملیتهای کشور، بیشتر از پیش اعتقاد "اخوت مسلمانان" را در جبهه مقاومت تحریک میکرد....

اما اکنون ملاحظه میگردد که با حاکمیت ربانی - مسعود - سیاف در کابل، به عنوان رهبران و قوماندان جهادی دیروز، روسها توانستند که نفاق اجتماعی را به وحشیانه ترین شکل آن بر ملت افغانستان تحمیل نمایند. پیروزی این سیاست زمانی وحشت آفرین میشود که همین اکنون میبینیم که آقای عبدالرشید دوستم، که به عنوان یکی از نیروهای عامل سقوط حاکمیت کمونیستی و یکی از نیروهای اساسی مقاومت در برابر سیاست کنونی تجزیه کشور که با طرح "تاجکستان بزرگ" و "کشور های هفته" از طریق تحریکات نژادی، لسانی و اتنیکی اعمال میگردد، شناخته شده است، تاکنون هم به علت گذشته، خویش محکوم میشود؛ ولی احمد شاه مسعود به عنوان خدمتگذار صادق کنونی روسها، صرفاً نظر به سوابق خویش قابل تحمل است!!! سرنوشت و تأویلات ناحق سیاسی موجود در برابری شخصیت ملی و یک شخصیت مزدور حاکم بر کابل، صرفاً از اینجا ناشی میشود که اینبار روسها سلاح ملت افغانستان را که همانا افتخار جهاد و مقاومت در برابر اشغال نظامی کشور شان بود، به عنوان موثر ترین حربه در دست دارند.

نفاق اجتماعی کنونی و رشد فاشیسم خون آشام در مرکزیت سیاسی ملت، صرفاً تاکتیک شکست خورده، دیروز روسهاست که امروز در چوکات پیروز ترین سیاست، با شخصیت های مذهبی مزدور، خون ملت افغانستان را میریزانند و روحیه مشترک ملی و برادری انسان در خلقت را از دیدگاه اسلام نفی میکنند. ●

عقب مانده گی روسها از لحاظ تکنولوژی مدرن، نداشتن بازار فروش دائمی از طریق راه مواصلاتی بحری میباشد. این کمبود بزرگترین ضربه بی بوده است که به عنوان محاصره اقتصادی طبیعی برای هر نظام و حاکمیت سیاسی روسها تلقی میگردد. بر همین اساس است که سقوط کمونیسم به مفهوم سقوط توجه و علاقه روسها به افغانستان نمیشد. پیوند اهداف استراتژیک منطقی "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" با حکومت یلتسین از این لحاظ میتواند مسلم باشد که این حاکمیت از طریق گریچف، به عنوان يك شخصیت نیمه کمونیست و نیمه لیبرال، به يك حکومت غیر کمونیست انتقال یافت. مرحله حاکمیت انتقالی گریچف، از لحاظ منافع ملی روسها، زمان تلفیق سیاست های استراتژیک حاکمیت رویه زوال کمونیستی و حاکمیت در حال تحکیم کنونی، محسوب میشود. بناً تغییر حاکمیت از لحاظ ایدئولوژیک در روسیه، هیچگونه پیام رهایی بخش برای ملت افغانستان نداشته است؛ چون حاکمیت یلتسین تداوم سیاست استراتژیک تزار در قرن بیست برای ملت افغانستان است.

توسل به نفاق اجتماعی از طریق گشودن عقده های محرومیت سیاسی اقشار ملت افغانستان در گذشته، یگانه تاکتیک خطرناک روسها بود که بر مبنای یکی از درد های واقعی ملت پایه گذاری شده است. این تاکتیک ایجاد نفاق میان اقشار ملت، از یکطرف جبهه مشترک ملی را می شکست و از طرف دیگر اعتقاد مذهبی را که یگانه زیربنای ایدئولوژیک جهاد محسوب میشد، از دست نیروهای مقاومت افغان میگرفت. این تاکتیک با موجودیت حاکمیت کمونیستی بر کابل هیچگاهی نمیتوانست به پیروزی برسد؛ چون موجودیت همچون حاکمیت ضد مذهبی، به خودی خود

پس از سه سال جنگی که به قیمت تمدن کوچک کابل و تمام نهاد های سیاسی، نظامی و اداری کشور ادامه داشته است، هویدا میگردد که تخریب شهر ها، دوام تخریب قریه ها برای استحکام حاکمیت روسها برکابل است. سه سال جنگ نه تنها پیروزی ملت افغانستان را بیان نداشته، بلکه بزرگترین شکست نظامی و سیاسی آن را نیز هویدا میسازد؛ چون روسها، اینبار با تصاحب شخصیت جهاد و مقاومت ملت افغانستان، حاکمیت خویش را بر کابل ادامه داده اند.

احمدشاه مسعود، مهره نه ساله کاجی بی، بزرگترین فریب برای ملت افغانستان و دنیا بود. شخصیت مرموز با نیت فاشیستی و وسیله، تحریک نژادی و نفاق اجتماعی، تمام ظابطه هایی را در برابر سیاست روسها نابود کرد که پایه های قیام ملی برای نجات يك ملت و کشور محسوب میشدند. فعال بودن شبکه های جاسوسی کاجی بی در کابل، تقویت اقتصادی کابل با بانکوتهای بی پشتوانه و ارسال مهمات نظامی از طریق خطوط هوایی غیر مستقیم جهت فریب سایر دستگاههای استخباراتی جهان، به اثبات میرساند که روسها شکست نظامی خویش را از طریق زیرگانه ترین مانور سیاسی و استخباراتی جبران نموده و با چهره های شخصیت های جهادی مزدور، به بهترین وجه، پیروزی سیاست استراتژیک خویش را در منطقه ضمانت می کنند.

علاقه روسها برای نفوذ در افغانستان، صرفاً تصمیم سیاسی تزاران روس، "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" و یا حاکمیت یلتسین بوده نمیتواند. توجه روسها برای حاکمیت در افغانستان، متکی به سیاست استراتژیکی است که بقای رقابت کمرشکن آنها را در طول تاریخ با اروپای غربی تشکیل میدهد. یکی از عوامل

## سید شریف ناصرزاده

## از نمایندگی سیاف تا شورای مرکزی تشیع درباری

بر اساس گزارش منتشره در شماره ۴۲ «وحدت اسلامی» (شاخه تشیع درباری) سید شریف ناصرزاده «به پاس خدمات ارزنده و شایسته ای که از خود نشان داده و بنابه داشتن لیاقت و شایستگی ایشان و پیشنهاد جمعی از اعضای حزب، ایشان در عوض شهید بزرگوار جناب آقای کریمی به عنوان عضو شورای مرکزی انتخاب شده و در جلسه مشترک ... مراسم تحلیف را بجا آوردند.»

سید شریف ناصرزاده در زمان جنگهای تحمیلی علیه غرب کابل، به نمایندگی از اتحاد سیاف با حزب وحدت اسلامی مذاکره نموده و از مواضع حزب خویش (اتحاد اسلامی) دفاع مینمود. وی در راستای مأموریت هایش چند بار با رهبر شهید و سایر اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی نیز دیدار کرد. در سال جاری که فاشیسم به همدستی تشیع درباری بر غرب کابل مسلط گردید، سید شریف از طرف C.C.A (مرکز تعاون برای افغانستان) به عنوان مسئول دفتر آن موسسه در کابل تعیین شد و طبق گزارش «تعاون» (نشریه C.C.A) برای مقدمات و زمینه سازی کارهایش با تمامی سران تشیع درباری متجمله سید فاضل، سید انوری، سید جاوید، سید مبارز یکاولنگی، سید حسینی... ملاقات نموده و اجازه بازگشایی دفترش را حاصل کرد. ظاهراً در جریان همین ملاقاتها بود که «صلاحیت و خدمات ارزنده» سید شریف، برای سران تشیع درباری، آشکار گردید و افتخار عضویت در شورای مرکزی آنان و نصب ساخت.

اما آنچه که در هر دو نشریه «تعاون» و «وحدت اسلامی» بدون

توضیح باقی میماند، این است که:

۱- شهید کریمی و سه تن از همزمانش در ماه جوزای سال ۱۳۷۱ توسط نیروهای سیاف تیر باران شده و به شهادت رسیدند و جانشینان آنها در شورای مرکزی هم بلافاصله انتخاب شدند. چرا پس از سه سال، سید شریف که نماینده رسمی قاتلان شهید کریمی بوده است، به عنوان جانشین دوباره، او تعیین میگردد؟

۲- فاصله میان شورای مرکزی اتحاد تا شورای مرکزی تشیع درباری چقدر بوده است که سید شریف، طی چند ملاقات موفق میشود آن را طی کند؟

واقعیت این است که تشیع درباری، خیلی آگاهانه و حساب شده حرکت می کند. عضویت در احزاب مختلف وحتى متضاد، صرفاً زمانی به عنوان يك ضرورت مطرح است که منافع قشری و صنفی آقایان اقتضا نماید. فعلاً تشیع درباری در کنار فاشیسم، خود را در مرحله بی می بیند که میتواند نقاب ها را دور انداخته و چهره اصلی خود را برای جامعه آشکار سازد. فاصله بی را که سید شریف از آغوش سیاف تا رسیدن به همصنفان نژاد پرست خود باید طی میکرد، با برداشته شدن مقاومت غرب کابل و شهادت رهبر جامعه هزاره، از میان برداشته شده است و همانطوریکه دیگر سیاف و فاشیسم با غرب کابل خصومت ندارند، سید شریف و همقطارانش نیز جدایی خود را غیر ضروری می پندارند.

دیری نخواهد بود که سایر چهره های مزدور ضد مردم نیز ترجیح دهند که سرازیک گریبان بیرون کنند. ●

## تو باید رهبری را به دست گیری

برتولت برشت

یاد بگیر، ساده ترین چیز ها را!  
برای آنان که بخواهند یاد بگیرند،  
هرگز دیر نیست.  
الغبا را یاد بگیر! کافی نیست؛ اما  
آنها یاد بگیر! مگذار دلسردت کنند!  
دست به کار شو! تو همه چیز را باید بدانی.  
تو باید رهبری را به دست گیری.  
ای آنکه در تبعیدی، یاد بگیر!  
ای آنکه در زندانی، یاد بگیر!  
ای زنیکه در خانه نشسته ای، یاد بگیر!  
ای انسان شصت ساله، یاد بگیر!  
تو باید رهبری را به دست گیری.  
ای آنکه بی خانمانی، در پی درس و مدرسه باش!  
ای آنکه از سرما می لرزی، چیزی بیاموز!  
ای آنکه گرسنگی می کشی، کتابی به دست بگیر!  
این خود سلاحی است.  
تو باید رهبری را بدست گیری.  
ای دوست، از پرسیدن شرم مکن!  
مگذار که با زور پذیرنده ات کنند!  
خوب به دنبالش بگرد.  
آنچه را که خود نیاوخته ای،  
انگار کن که نمی دانی.  
صورت حسابت را خودت جمع بزن!  
این تویی که باید پیردازیش.  
روی هر رقمی انگشت بگذار،  
و بپرس: این برای چیست؟  
تو باید رهبری را به دست گیری



وسيله يک که براي مز  
والفجار من اهريلد  
چوله ميلواند براي  
لويدي باشد که اندیشه  
السالن و عدالت از آن  
بيرون شود

### علی رضا طاهری،

# نطاق یا مستنطق؟!

خوشا به موقف تان که بیشتر از حق تان، صلاحیت اهانت به خلق ها را نصیب تان کرده است. هیچگامی شک کنید که «ناحق» هستید؛ چون دوستانه برای تان میگویم که خود تان از خود تان نفرت خواهید کرد

چرا نطاق B.B.C، عصبی و نگران است که حزب وحدت اسلامی «میانه اش را با ایران خراب میکند»؟ وضعیت کنونی حاکم بر ملت افغانستان روشن است: فاشیزم کابل، به مثابه یگانه نهاد خون آشام در حاکمیت سیاسی ملت، سه سال است که با اتکا به هر نیروی خارجی، بدون نظر داشت موضعگیریهای متضاد سیاسی آنها از لحاظ داخلی و بین المللی، انحصار سیاسی را به یک دستگاه کامل فاشیزم سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده است. ایران، با برداشت غلط از وضعیت سیاسی و ترکیب اجتماعی ملت افغانستان، سیاست خارج اش را در منطقه، قربانی همین باورهای غلط ساخت. سیاست نفوذ، بدون نابودی شخصیت اجتماعی و انسانی یک ملت ناممکن است. موضعگیری انسانی برای ایجاد عدالت اجتماعی در یک کشور، متکی به تعهد انسانی سیاست است. سیاست آقای و برده گی به منظور تحمیل سرنوشت برده گی کامل بر یک کتله، اجتماعی، تایک مقطع زمانی ممکن است چهره مزورانه خویش را پنهان کند، ولی مبارزات اجتماعی یک ملت برای عدالت و مساوات، هیچگاهی نمیتواند زولانه های اسارت بیگانه گان را برگردن خویش داشته باشد.

سیاست ضعیف و خلاف عدالت اجتماعی ایران، هیچگاهی نمیتواند با ماهیت عظمت طلبی های سیاسی و مذهبی، چهره خویش را در میان هلیکوپتری کتمان نماید که یک روز قبل برای قابودی اجتماع انسانی هزاره جات، بم افکنده است و اینک امروز، هیأت صلح را به زمین پرتاب میکند که چه؟

آقای علی رضا طاهری، به ناحق موضع نطاق «جمهوری اسلامی ایران» را اتخاذ نموده و با ضعیف ترین استدلال خویش بیان میدارد که «هیأت صلح ایرانی در هرحال مبیایست بایک وسیله به طرف شما می آمد. این چه فرقی میکند که یک هیأت یا هلیکوپتر متعلق به این گروه یا آن گروه به طرف شما بیاید. هلیکوپتر سریع ترین وسیله است، میتواند یک هلیکوپتر حتی ساخت روسیه باشد که سالها مجاهدین با شوروی سابق در جنگ بوده اند. آیا این درست است که چون هلیکوپتر ساخت روسیه است و شما با شوروی درجنگ بوده اید، هیأت صلح را نپذیرید؟»

نه خیر، آقای علی رضا طاهری، اینجا حرف بر کشور تولید کننده کمونیست یا بورژوازی هلیکوپتر نیست. اینجا سخن بر ماهیت نظام و آدمهایست که پشتوانه جنگ شان را همین هلیکوپتر مرگ آفرین تشکیل میدهد. در چهره هیأت صلحی که این هلیکوپتر به زمین پرتاب میکند، پیوند ماهیت مرگ آفرین هلیکوپتر دار با هیأت صلح خوانده میشود. وقتی هلیکوپتر بر فضای قریه، چون هیولای مرگ نمایان میگردد، هرچه انسانی که در قریه وجود دارند، منتظر مرگ خویش اند. تا معلوم شود که از این هلیکوپتر سرو صورت هیأت صلح بیرون میشود، وحشت مرگ همه را قبض روح کرده است. اینجاست که وسیله از وسیله بودنش بیرون میشود و ماهیت همیشه گی خویش را تداعی میکند که همانا زهره ترک شدن یک طفل و یک زن، قبل از انفجار متداول بمب های هلیکوپتر بر فراز فقیر ترین خانه یک کشور و ملت است.

میدانید که چه میگویم؟ از مرگ یک طفلی حرف میزنم که تا هنوز نمیداند که شما تاکنون حرمت رهبر یک مردم را بلد نشده اید؛ چون روز مرگی شما برای تنخواه اخیر ماد، هیچگاهی مبارزه مردم را برای زنجیر شکنی اسارت سیاسی درک نخواهد کرد. میدانید چه میگویم؟ از آزادی حرف میزنم، که هیچکسی حق ندارد به بهای عظمت طلبی خویش، انسانی را در بند کشاند و حیات اجتماعی و منافع ملی آن را قربانی منافع ملی خویش کند. میفهمید چه میگویم؟ از منافع ملی حرف میزنم، از آن چیزی که به خطر مواجه شدن آن، شما را حتی در عقب بلند گوی رادیوی لندن عصبی ساخته است؛ چون رهبری، برای افشای اهانتی که در حق مردمش روا داشته اند، هیأت صلح کشور شما را نپذیرفته است. میفهمید از چه حرف میزنم؟ از اهانت به یک خلق و مردم؛ از اهانت به مردمی حرف میزنم که موضعگیری کشور شما، این اهانت را با خون شان به تاریخ اجتماعی یک ملت سپرده است. درست است که هیأت شما امروز میتواند ادعا کند که «حرکت» آقای محسنی و «وحدت» آقای سید عالمی و اکبری را آشتی داده است؛ اما این یک حرف سیاسی بی است که صرفاً دهن شما را پر میکند؛ چون در واقع، هیچگونه تضادی میان آقایان محسنی و سید عالمی و اکبری وجود نداشته است. جنگ

اینان صرف در برابر رهبریت سیاسی جامعه هزاره است. اینجا جنگ یک نژاد برای حاکمیت بر نژاد دیگر است. اینجا تضاد یک اشرافیت خونخوار مذهب در باری در برابر رهبری سیاسی جامعه بی است که سالها چون برده گان فاقد درک و شعور، لب بردستان اربابان خویش نهاده اند. میدانید از چه حرف میزنم؟ از برده گی انسان! هلیکوپتر شما، نوید آشتی یا همین مذهب دریاری برده پرست و خونخوار را برای مردمی میآورد که زولانه های هرگونه اسارت را از دست و پای خویش دریده اند. میدانید از چه حرف میزنم؟ از شکست اسارت! هلیکوپتری که برفراز انسان بمب منفجر میکند، صلح اسارت را به ارمغان میآورد. هیأتی که صلح اسارت را بعد از انفجار مرگ آفرین به زمین رها کند، در قالب آدم، وسیله بی را فرستاده است که بعد از پاشیدن خون و پارچه های گوشت بر درو دیوار، حلقه های زنجیر اسارت را با قفل بردست و پای انسان بسته میکند. میدانید از چه میگویم؟ از وسیله اسارت! هلیکوپتر، وسیله جنگ و مرگ و خونریزی برای اسارت است و هیأتی را که این هلیکوپتر به زمین پیاده میکند، وسیله سیاست اسارت بار برای یک ملت است.

حال میدانید که خیلی ها کوچک میاندیشید که با «کشور سازنده» هلیکوپتر» استدلال میکنید. هلیکوپتر، درست است که یک وسیله است، اما این وسیله درست کیست؟ این وسیله برای کدامین هدف به کار میرود؟ وسیله بی که برای مرگ و انفجار میآفریند، چگونه میتواند برای نویدی باشد که اندیشه، انسانی و عدالت از آن بیرون شود. هلیکوپتری که وابسته به نظام سیاسی بی باشد که شعارش «تشنه بودن به خون هزاره» است (چیزی که شما خود از طریق رادیوی تان پخش کردید)، چگونه دوستی را برایت میفرستد که احترام به هویت انسانی، اجتماعی و سیاسی را بیان دارد؟ میدانید که از کی حرف میزنم؟ از هزاره، از یک انسان! انسانی که آقای محسنی و سید عالمی و اکبری، با هیأت صلح بی خیر از دنیای کشور شما (۱) برای اسارت اجتماعی و سیاسی آن از طریق مذهب در باری و نژاد پرست، تلاش دارند و برای انجام این اسارت تحمیلی، هلیکوپتر فاشیزم خونخوار کابل را همچون وسیله رسیدن به اهداف خویش در دست دارند.

هلیکوپتر را برای هلیکوپتر نمینید، هلیکوپتر را وسیله نظامی بی ببینید که چگونه سه سال است انحصار حاکمیت سیاسی را بای سرنوشتی و ریزش خون تمام اقشار ملت تقویت کرده است، در عقب این وسیله جنگی، آشتی ناپذیری حلقه، عظمت طلب و سیاست تبعیض نژادی بی را ببینید که به غیر از خود، هیچکسی را آدم نمی بیند. این دستگاه وسیله تحکیم قدرت خویش را صرف به خدمت کسی قرار میدهد که برای استحکام قدرتش گام بر دارد. میدانید از چه حرف میزنم؟ از وسیله قرار گرفتن برای وسیله؛ از وسیله قرار گرفتن برای وسیله مطلق، دیگر دور نمایی برای همزیستی مسالمت آمیز و انسانی در درون ملت افغانستان ندارد. میدانید از چه حرف میزنم؟ از فاشیزم احدشاه مسعود؛ از سه ساله عامل خون و مرگ؛ از کسی که با تمام حسن نیت و صداقت ژنرال عبدالرشید دوستم در برابر عدالت سیاسی و اجتماعی، پا بر آریگه قدرت کابل نهاد. میدانید از کی حرف میزنم؟ از جنرال عبدالرشید دوستم، از یگانه رهبر ملیت محروم از یک که امروز تمام دنیا و هستی حق طلبی خویش را در وجود همین رهبر زنده نگه داشته اند. چرا فراموش کردید که سقوط نظام کمونیستی با اراده و شانه، همین جنرالی صورت گرفت که شما امروز دوستی باوی را، خیلی ها ناجوانمردانه و مغرضانه، به عنوان اهانت و نقطه ضعف بیان میدارید. فهمیدید که از چه حرف زدم؟ از شما که نه از یک هستید و نه افغان و تبعه کشوری که اختاپوز فاشیزم حاکم بر آن، حیثیت اجتماعی و ملی ملتی را به گونه بی خرد کرده است که حتی شما به خود حق می دهید بخاطر برگشت دادن یک هیأت هم میهن تان، به دو رهبر دو خلق توهین کنید.

آری، آقای علی رضا طاهری، از شما حرف میزنم که عجب با دهن باز و بیگانه با تاریخ محرومیت سیاسی اقشار یک ملت، و در عقب پارانوای کمرشکن برای شخصیت خود به عنوان یک ژورنالیست بی طرف، به حیثیت اجتماعی مبارزات خلق از یک و هزاره می تازید. خوشا به موقف تان که بیشتر از حق تان، صلاحیت اهانت به خلق ها را نصیب تان کرده است. هیچگاهی شک نکنید که «ناحق» هستید؛ چون دوستانه برای تان میگویم که خود تان از خودتان نفرت خواهید کرد.

### صفحه نو

در کشور، باید سینه، فرزندان این ملت با خنجر شکافته شود و رخت خون شهیدان آزادی، درفش مبارزه برای رونده گان راه آنان باشد. تعهد ما این است که در هیچ حالت و بحران فکری و معنوی، اعتقاد و ایمان خویش را به انسان و حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی او از دست ندهیم و عقب گرایی های ارتجاعی و محافظه کارانه را هیچگونه مانعی در راه تحقق عدالت خدا بر زمین تلقی نماییم.

مسئولیت ما، از صداقت در برابر سرنوشت سیل محرومانی تغذیه میکند که هستی و حضور چشمگیر آنان را در آغوش ملت، جز توهین، بدنامی، حقارت اجتماعی و محرومیت چند بعدی سیاسی و اجتماعی چیز دیگری تشکیل نمیدهد. همین بعد مسأله است که مسئولیت ما را در دویخش مرتبط باهم تقسیم بندی میکند که از یکطرف نگذاریم که در برابر سرنوشت و تاریخ محرومترین انسانهای جامعه، انتلافهای خایبانه، سیاسی و مذهبی یا توطیه های غیر انسانی به عمل آید و از جانب دیگر، پل مستحکم ارتباطی بین آرمانهای آزادیخواهی هر انسان آگاه و هر قشر ملت خویش باشیم. «صفحه نو»، این مسئولیت خویش را به بهای هستی خویش ایفا نموده و زمان، گواه بر صداقت آن خواهد بود.

«صفحه نو» به فرهنگی باور ندارد که برده سیاست باشد، اعتقاد «صفحه نو» از فرهنگی ریشه میگیرد که متعهد به سرنوشت سیاسی و تاریخ اجتماعی ملت است و نقش آگاهی بخش سیاسی، اجتماعی و اعتقادی این فرهنگ، همیشه خیزشهای رهایی بخش اجتماعی را سازماندهی کرده است. به همین علت است که «صفحه نو» در برابر هر تحول سیاسی و اجتماعی کشور، نظر خاص خویش را خواهد داشت و هر عنصری را که در برابر آرمان عدالت سیاسی و اجتماعی مردم قرار گیرد، به عنوان دشمن سرنوشت خویشی ملت و خاین به آرمان انسانی اقرار آگاه آن، تلقی خواهد کرد. «صفحه نو» ایمان دارد که مبارزه فرهنگی، تاریخ اصیل و شخصیت خاص یک اجتماع را بیان میدارد. مبارزه هزاره ها برای عدالت اجتماعی، صرفاً از طریق مبارزه فرهنگی است که ویژه گیهای خویش را معرفی میدارد و درد های خاص اجتماعی خویش را نیز تفکیک مینماید. از همین موضع است که «صفحه نو»، صفحه درد هر قشر محروم ملت خواهد بود تا بتواند ترکیب درد های خاص اقشار ملت را به مثابه، درد های اجتماعی یک ملت واحد به تاریخ فردا بسپارد.

«صفحه نو» نظر به تعهد خویش در برابر راه «رهبر شهید»، تعقل را چون کلید مواجه شدن با بن بستها، یا خود واحدت داشت. «صفحه نو» معتقد است که علایق منظوقی و زبانی و آتینکی هیچگاهی نمیتواند ملت را از بن بست کنونی بیرون کشیده و آینده عدالت سیاسی و اجتماعی را در کشور تضمین کند. بیرون شدن از لاکهای خودی و ایمان به اندیشه، انسانی است که پیوند های اجتماعی و پایه وجود آورده و روابط اجتماعی را به قاعده مستحکم عواطف انسانها تبدیل میکنند.

«صفحه نو» با ایمان راسخ به عدالت اجتماعی، دموکراسی و اظهار عقاید را حق مسلم هر انسان دانسته و از چاپ متضاد ترین اندیشه ها (نه خصمانه ترین اندیشه ها) در صفحات خویش هیچگونه هراسی ندارد و بر همین مبناست که میتواند صفحه نو برای تاریخ و فرهنگ ملت نیز باشد.

«صفحه نو» با ماهیت نشریه های مبتذل دروغ پراگنی برای «فتح» در جنگ برادرکشی و تخریب و نیز با توجه گری سیاست های غیر انسانی رجاله های مطرح در سیاست کنونی و عوامل فاجعه ملی، هیچگونه پیوندی نداشته، بلکه خط صداقت خویش را در برابر فرهنگ و سیاست انسانی این مقطع تاریخ خونبار اجتماعی ملت خویش حفظ خواهد کرد. سرنوشت اجتماعی کنونی ملت از دیدگاه «صفحه نو»، صرفاً صداقت و تعهد برای انعکاس و قیامی خواهد بود که میتواند برای نسلهای فردا، منبع با اهمیت داده های تاریخی برای تحقیقات سیاسی، اجتماعی و تاریخ سیاسی و مبارزات اجتماعی این ملت باشد. با تأسف که امروز، حاکمیت ابتذال در پایتخت کشور، جز کشاندن ابتذال در سطح مطبوعات، هیچ دست آورده دیگری نداشته است. دروغ و شادباش «فتح» با عنوان بزرگ «الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، چهار آسیاب فتح شد»، صرف فریب بس بزرگ ملت در برابر جنگ پوچ و غیر انسانی انحصار گران است که تمام هستی و شرف ملت را زیر قدمهای یک حلقه، انحصار بدون تعقل و فاقد آرمان به سرنوشت جمعی و عدالت، قرار داده است. اینگونه مطبوعات نه تنها مرکز ابتذال و بی باوری به شخصیت سیاسی و اجتماعی اقشار ملت اند، بلکه بزرگترین تجارت را با اسلام و اعتقادات پاک مذهبی ملت نیز انجام میدهند. با تأسف که این نشریه های مبتذل که صرفاً پیام «فتح» خانه هم میهن خویش را با کلمه «توحید» میدهند، بیانگر تراژیدی کمرشکن اعتقادی و اجتماعی این زمان ماست که رجاله بازی دوران، حتی دین و مذهب را نیز برای اغفال از واقعیت ظالمانه، انحصار حاکمیت سیاسی در خط آرمان پوک و فرسوده، ارتجاعی خویش قرار داده است. بر عکس آنچه که در سیاست نشراتی «امروز ما» تذکر داده بودیم که صفحات درد ملت خویش را وقف پولیسیکهای سیاسی نمی نماییم، اینک با «صفحه نو»، صرف به پولیسیکهای سیاسی بی خواهیم پرداخت تا نسلهای آینده، ماهیت انحصار گران حقوق ملت را بدانند که چگونه حاکمیت بر ویرانه های این کشور را با شعار «الله اکبر»، به عنوان «فتح» زمین هموطن خویش، به تاریخ اجتماعی و سیاسی این ملت سپرده اند. در «صفحه نو» به تمام ابتذالهای مطبوعاتی بی قاس گرفته خواهد شد که بیانگر ابتذال زمان برای تجارت تاریخ اجتماعی و سیاسی فردا میباشد.

«صفحه نو»، بنابر تعهد و مسئولیت خویش در برابر تاریخ اجتماعی و سرنوشت مردم خویش، به هیچ اصل خبری بی که صرفاً منافع یک اقلیت سازمانی را استحکام بخشد، متکی نبوده و صداقت خویش را در برابر نورمهای اخلاقی و تعهد ژورنالیزم به تاریخ و زمان یک ملت، در هر صفحه و کلمه، خویش، حفظ خواهد کرد. انسانیت، آزادی، عدالت و برابری چهار چراغی اند که هادی ما در خط خدا، در قلب این شب سیاه و خونین، بوده اند. به امید تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی برای ملت افغانستان.



## تهاجم فاشیزم...

- ۱- ضرب توپ دی سی
- ۱- پایه هاوان وسط
- ۲- میل پی کا
- ۳- میل راکت آرپی چی هفت
- ۱- پایه زیکویک
- ۲۵- میل کلاشینکوف
- ۱- پایه مخا بره نیم کره ای

طبق يك گزارش دیگر مردم مسلمان ولسوالی سنگ تخت و چار قل ولایت ارزگان، ضمن اعلام همبستگی کامل با حزب وحدت اسلامی، جبهه فاشیستی و تشیع درباری را از مناطق تپه سنگ چلك، قریه، شیخ علی، تاس قل، شاد قل، قریه، قلبک، قریه، فراسک، بازار کهنه و بازار نو، دهن قورغان شرمه و دهن تال بیج عقب زده و این مناطق را تحت اداره نیروهای مردمی قرار دادند.

## هرکسی که با احساسات...

بین دو گروه از شیعیان اتفاق و اتحاد بیشتری ایجاد بکند، بین شاخه دیگر حزب وحدت و حرکت اسلامی؟

استاد خلیلی فرمودند: ممکن است، من در جریان نیستم، اما آنچه که مربوط به ماست، ما از مردم و احساسات مردم خود دفاع میکنیم.

نطاق پرسید: شما با آقای دوستم متحد میشوید، که سالها رهبری نظامی کمونیست ها را بر ضد شما مجاهدین داشت، ولی حاضر نیستید هیأت صلح ایرانی را به این عذر و به این بهانه بپذیرید که با هلیکوپتر دولتی به طرف شما آمده است؟

دبیر کل حزب وحدت اسلامی فرمودند: بهر حال، امروز جنرال دوستم، نماینده يك بخش کثیری از مردم افغانستان است و ما به ایشان احترام میگذاریم و به دوستی خود با ایشان وفادار هستیم. ما با هیچ مردمی دشمنی نداریم ولی در این قضیه و در این مسأله به هیچ وجه راضی نیستیم که احساسات و خواسته های مردم ما خدشه دار شود و اخواسته های مردم ما به بی اعتنائی برخورد شود. نطاق پرسید: بنا براین شما عملاً حتی از دولت ایران هم دارید فاصله می گیرید، در حالیکه در زمان آقای مزاری روابط حسنه بی با تهران داشتید، الان روابط حسنه دیگر از بین میرود؟

دبیر کل حزب بیان داشتند: ما خواستار دوستی با همه کشور های همسایه و دوست، خصوصاً کشور های اسلامی دوست و همسایه خود هستیم، ولی هر کس و هر کشوری که با احساسات و خواست مردم ما بی اعتنائی کند، طبیعی است که ما مکلف به دفاع از این خواست هستیم.

شما سفر خوب و سودمندی باشد. استاد خلیلی در قسمتی دیگر از اظهارات خویش با اشاره به محرومیت های تاریخی مردم هزاره جات اظهار داشتند: منطقه هزاره جات، منطقه ایست که از در و دیوار آن فقر و مظلومیت میبارد، متأسفانه حکومتهایی که در گذشته وجود داشته اند، هیچگونه توجهی در جهت رفع مشکلات و مصائب این مردم به خرج نداده و بلکه همواره تلاش می ورزیده اند که هزاره جات از چشم مؤسسات خیریه و مجامع بین المللی دور بماند.

منطقه هزاره جات، منطقه ایست که از در و دیوار آن فقر و مظلومیت میبارد، متأسفانه حکومتهایی که در گذشته وجود داشته اند، هیچگونه توجهی در جهت رفع مشکلات و مصائب این مردم به خرج نداده و بلکه همواره تلاش می ورزیده اند که هزاره جات از چشم مؤسسات خیریه و مجامع بین المللی دور بماند.

استاد خلیلی با اشاره به انواع مرضی بی که به علت فقر و محرومیت واگیر در هزاره جات شوع یافته است، از هیأت سازمان ملل تقاضا نمودند که ضمن تماس مستقیم با مردم و مناطق مختلف هزاره جات، از نزدیک با وضع زندگی مردم آشنا شوند.

همچنین دبیر کل حزب وحدت اسلامی، پیشنهادات مشخصی را در رابطه با سهولت کارهای سازمان ملل و مؤسسات خیریه در هزاره جات ارائه داشتند که طرف توجه و علاقه هیأت سازمان ملل قرار گرفتند.

در اخیر استاد خلیلی به هیأت مذکور اطمینان دادند که حزب وحدت اسلامی برای هرگونه همکاری جهت رفع مشکلات سازمان ملل تلاش خواهد کرد.

طبق يك خبر دیگر هیأت سازمان ملل، پس از دیدار با استاد خلیلی از کمیته های فرهنگی، صحنی و خدمات اجتماعی حزب وحدت اسلامی دیدار نموده با مسئولین آنها صحبت های مفیدی انجام دادند.

## استاد خلیلی و B.B.C رادیو د پستو خانگی سره په مرکه کی وویل:

## مونږ د خپلو هزاره وو ورونو سره جگړه نه لرله او نه یی لرو

مونږ پخپلو پستو ولاړ یو او دوی دشورای نظار او دهغوی په امکاناتو ولاړ دی او په هزاره جاتو کی دجگړو دپیل لپاره دشورای نظار لپاره یو وسیله گرځیدلی دی.

شمیر رتل شوی کسانو سره راغلل. ددی امله مونږ ته دمنلو وږخبره نه وه او کله چی هغوی دیکاولنگ په لوړخپل استازی ولیزل نو دیکاولنگ په مرز کی موتري بختنه وغوښتل اویرته موستانه کړل. ددغی پوښتنی په ځواب کینی چه دغه د وحدت دگوند یو شمیر کسان چه تاسو ورته رتل شوی وایی دوی خو هم وایی دحزب وحدت غړی وه او دی، او ځینی خو د رهبری خبری کوی تاسی څنگه ویلای شی چه دوی رتل شوی دی دحزب وحدت مشر وویل: مونږ پخپلو پستو ولاړ یو او دوی دشورای نظار او دهغوی په امکاناتو ولاړ دی او په هزاره جاتو کی دجگړو دپیل لپاره دشورای نظار لپاره یو وسیله گرځیدلی دی. دهغه نه پوښتنه وشو چه که تاسو دخبری لپاره همداسی شرطونه وړاندی کړی نو جگړه بیا هم دوام کوی.

استاد خلیلی وویل مونږ دخپلو هزاره وو، ورونو سره جگړه نه لرله او نه یی لرو، او ټول هغه ډلگی او ټولگی چه دکابل څخه دجگړی لپاره را لیږل شوی وو یا زمونږ سره یو ځای شول او یا خپل کورونو ته ولاړل او پخپله دهزاره جاتو دخلکو ترمنځ جگړه نه وه او نه شته او دا دولت دی چه دیدڅشی، پنجشیری، او دیغمان، او شکر دری څخه دسیاف ځواکونه را لیږی او په هزاره جاتو کی یی جگړه پیل کړیده، دا چه په بامیانو کی اوس دجگړی وضع څنگه ده؟ دحزب وحدت اسلامی مشر وویل دخو خواوو څخه دلویدیز، جنوب لویدیز او د بامیانو دختیز لوری څخه د دوی ځواکونو قلابندی کړی تنگه کړی ده.

## عطا محمدخان رئیس قوم پای مورده ولایت غور با استاد خلیلی دیدار نمود

مفصلاً تشریح غوده اظهار داشت که اسمعیل خان با پشتیبانی دولت غیر قانونی رسانی، حملات سنگین نظامی بی را از تاریخ ۲۱ سرطان الی ۲۶ اسد سال جاری بر علیه مردم مسلمان ولایت غور انجام داد که با مقاومت شدید مجاهدین مردم محل مواجه شد. طی این جنگها ۱۳۸ تن از جوانان غافل از ماهیت فاشیستی ارتش اسمعیل خان، کشته و یا زخمی شدند. محترم عطا محمدخان افزود: «پس از عقب نشینی نیروهای اسمعیل خان آنعده از مردم منطقه که مجبوراً خانه های شان را ترک کرده بودند، به سر زمین ها و خانه های خود برگشته و زنده گی عادی خود را از سر گرفتند.» وی گفت: «رسانی و دار و دسته اش تلاش دارند که از طریق گسترش جنگ پایه های حکومت غیر قانونی و ضد ملی خود را استحکام بخشند ولی تجربه سه سال گذشته نشان داده است که نه تنها دولت رسانی، بلکه هیچ گروه یا جریانی نمیتواند بدون توجه به خواست و آرمانهای مردم، حاکمیت انحصاری خود را بر کشور تحمیل نماید.»

قبل از ظهر روز جمعه ۱۳۷۴/۶/۳، محترم عطا محمدخان رئیس قوم پای مورده، از مربوطات ولایت غور، ضمن حضور در مقر رهبری حزب وحدت اسلامی با استاد خلیلی دیدار و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی طی این دیدار محترم عطا محمدخان گزارش مفصلي از اوضاع ولایت غور و بیدادگرهای فاشیسم و نیروهای متعلق به اسمعیل خان را به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانیده و در قسمت همکاری های متقابل از ایشان طالب هدایت گردید. طبق این گزارش استاد خلیلی با تقدیر از حسن نیت و تلاشهای دلسوزانه محترم عطا محمدخان و قوم پای مورده، مواضع و دیدگاههای حزب وحدت اسلامی را در رابطه با حل بحران کشور توضیح داده، رهنمود های مشخص را در زمینه بهبود روابط مردم پای مورده با جبهات ضد فاشیستی ارائه داشتند.

طبق يك خبر دیگر، محترم عطا محمدخان، طی مصاحبه با خبر نگار خبرگزاری وحدت اسلامی وضعیت جاری در ولایت غور را

## هیأت بلند پایه، سازمان ملل متحد وارد یكاولنگ گردید

چیزی را که با علاقمندی باید بگویم این است که دیدار از یكاولنگ و ملاقات با مردم و هیأت رهبری هزاره جات مایه دلگرمی بیش از حد ما گردیده است.

مردم و هیأت رهبری هزاره جات مایه دلگرمی بیش از حد ما گردیده است.

وی افزود: ما برای این نیامده ایم که صرفاً منطقه را ببینیم و لذت ببریم، بلکه ما میکوشیم تا زمینه عملی شدن برنامه های خود برای کارهای اساسی و جدی را در یكاولنگ و سایر نقاط هزاره جات بررسی کنیم. ما امید داریم که حزب وحدت اسلامی و مردم متعلق به آن در تکمیل معلومات ما کمک نمایند.

سپس استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی ضمن قدردانی از احساسات نیک و بشردوستانه، هیأت محترم سازمان ملل متحد، تشریف آوری آنان را در یكاولنگ خیرمقدم گفته، ابراز داشتند: امید وارم سفر

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی از بامیان، قبل از ظهر روز یکشنبه ۷۴/۶/۵ يك هیأت سازمان ملل متحد به سرپرستی آقای اندریو وارد یكاولنگ گردید.

طبق این گزارش هیأت مذکور در میدان هوایی یكاولنگ از سوی نماینده گان شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی، شاگردان مکاتب و لیسه های یكاولنگ و اهالی محل مورد استقبال قرار گرفت و سپس با حضور در مقر رهبری حزب وحدت اسلامی با دبیر کل و سایر اعضای شورای مرکزی این حزب دیدار و گفتگو نمودند.

آقای اندریو به نماینده گی از هیأت همراهش از دیدار با دبیر کل حزب وحدت اسلامی ابراز خورسندی نموده گفت: چیزی را که با علاقمندی باید بگویم این است که دیدار از یكاولنگ و ملاقات با